

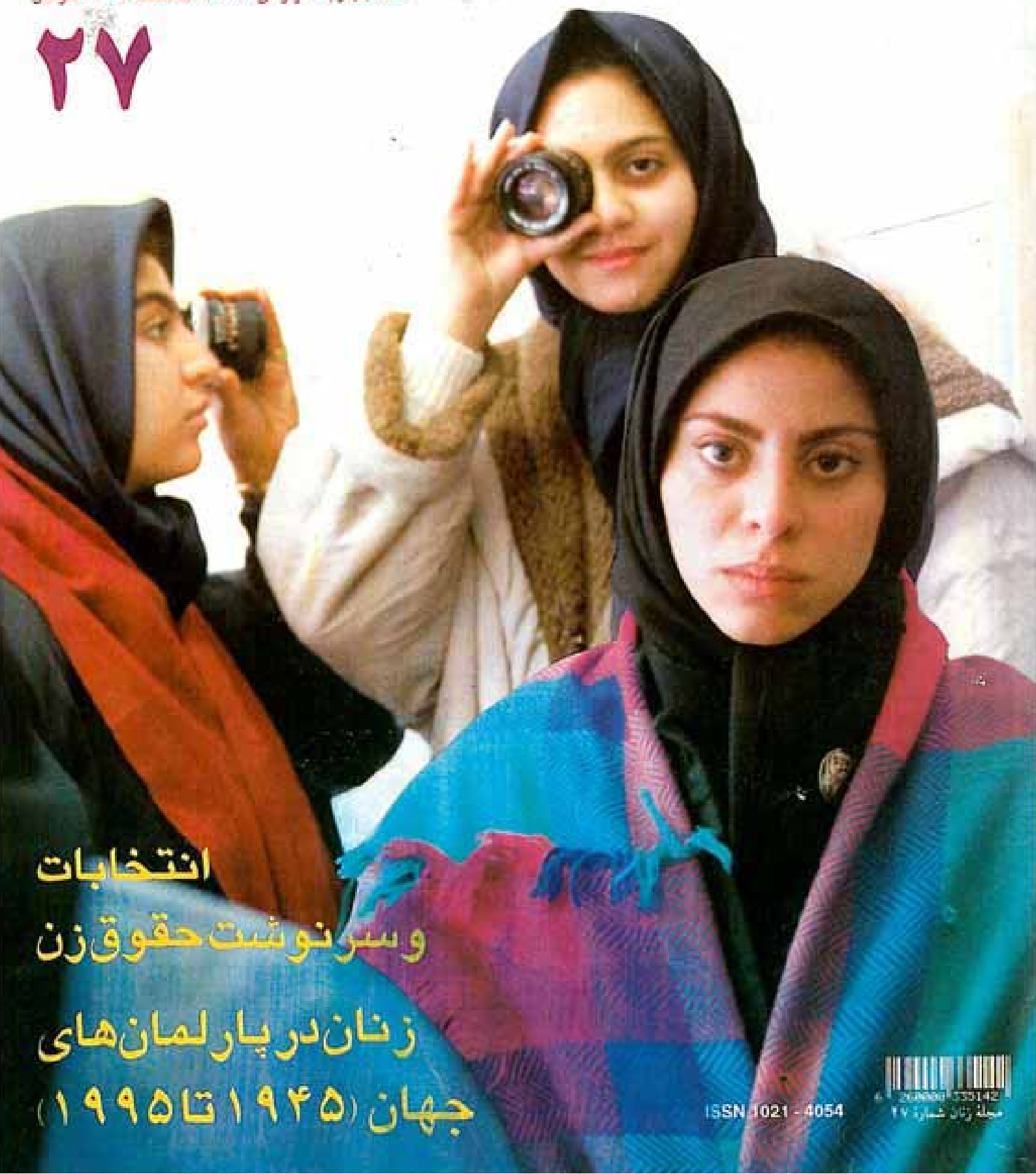
# زنان

سال چهارم • آذر و دی ۷۳ • ۷۲ صفحه • ۲۰۰ تومان

۲۷

گفت و گو با دختران «سلام سینما»:

آیا به کسی تو هین شد؟



انتخابات

و سرنوشت حقوق زن

زنان در پارلمان‌های

جهان (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵)



ISSN 1021-4054

مجله زنان شماره ۲۷

# بیمه + پس انداز

با بیمه عمر و پس انداز بیمه آسیا

نیازهای مالی آینده خود و عزیزانتان را تامین نمایید



با بیمه، مطمئن زندگی کنید

بیمه آسیا، مبتکر طرحهای نوین صنعت بیمه در کشور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زنان

سال چهارم شماره ۲۷ آذر و دی ۷۴  
 زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یکبار در ماه منتشر می‌شود.

## گزارش و خبر

- خبر ۵
- آیا به کسی توهین شد؟: الهام خاکسار ۱۰
- زنان سمرقند و بخارا: دکتر نوشین یاورى، ترجمه نسترن قشقایی پور ۲۸

## اندیشه

- هیوط الهه برکت: دکتر کاترین مزداپور ۳۴
- بدون شرح ۴۴
- هرچه از دوست رسد... ۵۴
- آیند، اخلاق، آینده: دکتر مسعود آذر نوش ۵۸
- گل زیبای من خشکید...: ترجمه علی اندیشه ۶۴



## ادبیات

- لحظه‌ها (شعر): مهشید نیکروش ۳۱
- آینده (شعر): روناک ربانی ۳۱
- پنجره: فریده خردمند ۳۲



## هنر

- نگاهی به چهاردهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر: جیستا یربی ۴۲
- نقش هنر: سپیده خانبلوگی ۵۵

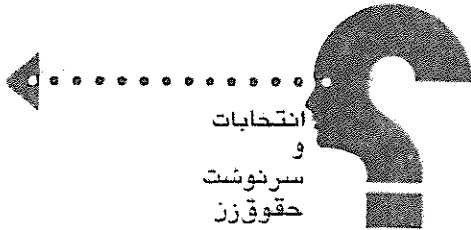


## حقوق

- انتخابات و سرنوشت حقوق زن: مهرانگیز کار ۲
- ان در پارلمان‌های جهان (۱۹۴۵ تا ۱۹۹۵)، ترجمه و تلخیص رُزا افتخاری ۴۸

## علم

- مادران شاغل و احساس گناه: سالی شانون، ترجمه هورفر ناظر مظفری ۲۲
- کتابخانه زنان: گلی امامی ۲۴
- کوتاه، درباره کتاب‌های تازه: شهرام رجبزاده ۶۷



انتخابات  
و  
سرنوشت  
حقوق زن

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: شهلا شرکت  
 مدیر داخلی: رزا افتخاری  
 ویراستار فنی: لیلا صمدی  
 طراح گرافیک: کوروش شبگرد  
 حرفه‌چینی کامپیوتر: معصومه رحیمی  
 چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۱۱۲۵۸۶  
 چاپ متن: طلوع آزادی، تلفن: ۵۶۰۴۳۵۸  
 صحافی: شاهد  
 روی جلد: لاله شرکت

License Holder & Editorial Director:  
 Shahla Sherkat  
 Zanan is a Persian - language Journal  
 published monthly  
 Each issue contains articles and reports  
 related to the women's problems.

صندوق پستی: ۵۵۶۴ - ۱۵۸۷۵  
 تلفن: ۸۳۶۴۹۸  
 فکس: ۸۸۲۹۶۷۲  
 شماره سریال بین‌المللی: ۳۰۵۲ - ۱۰۲۱

مان در زمینه فعالیت‌های هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.  
 مان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.  
 مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.  
 فوق چاپ و انتشار، نقل مطالب، طرح‌ها و عکس‌ها برای مجله زنان محفوظ است.

کرده و امکانات اجتماعی خود را در مقایسه با هر یک به سنجش بگذاریم.

### دیدگاه نخست

پیروان این دیدگاه عقیده دارند که زنان باید بتوانند نمایندگان خود را در مجموعه جنبش زنان، که در یک سازمان و تشکیلات خاص زنان خلاصه نمی‌شود، بشناسند و با آرای خود چهره‌های مطلوب را بر مسند قانونگذاری بنشانند. تأکید بر ضرورت حضور نمایندگانی از جنبش زنان در عرصه قانونگذاری به این معنا نیست که فقط یک گروه از زنان توانایی و قابلیت مبارزه با تبعیض‌ها و نابرابری‌های حقوقی را دارند و همان گروه معین می‌توانند بازنگری در قوانین به نفع زنان را و جهت همت خود قرار دهند بلکه این تأکید شامل حال نمایندگانی از جنبش زنان در تمام لایه‌های اجتماعی است.

در عصر ما جریان روبه‌رشد طرفداری از حقوق زنان خود را به عنوان یک جنبش مستقل با ساختاری کاملاً متفاوت از ساختارهای سنتی و سازمان و تشکیلات واحد تعریف می‌کند. بر پایه این تعریف، جنبش زنان دارای ساختار سنتی سازمان‌های موجود و مرسوم نیست و سلسله مراتب و اساسنامه و هیئت مدیره و رئیس و مرنوس ندارد. با تحولاتی که در جهان رخ داده است، جنبش‌ها ساختارهای نویسی را شکل داده‌اند. درون این ساختارها هر گروه کوچک یا هر لایه اجتماعی به شیوه خود اهداف جنبش را دنبال می‌کند. الگوی واحدی برای همگان وجود ندارد و تک‌الگوها توصیه نمی‌شوند. همکاری و همراهی لایه‌های یک جنبش، بوروکراتیک و سازمانی نیست بلکه همکاری

مردانه نقش‌های مثبت و دگرگون‌ساز ایفا کنند. مقایسه قوانین تصویب‌شده درباره حقوق زنان، طی ۱۶ سال قانونگذاری دوران انقلاب، با شعارهای انقلاب که در سال ۵۷ زنان را از تمام گروه‌ها و طیف‌های سیاسی - اجتماعی با خود همراه ساخت، نشان می‌دهد که قوانین تصویب‌شده تبلور آن شعارها نیست.

در این گزارش بررسی کارنامه چهار دوره قانونگذاری از حیث حقوق زن مورد نظر نیست بلکه انگیزه نوشتار، ترکیب احتمالی مجلس آینده است؛ با این هدف که موانع دستیابی به حقوق زن در ارتباط با ترکیب مجلس آینده ارزیابی شود: ■

در شرایط کنونی دو دیدگاه، که هر دو بر اصل مترقی دموکراسی استوار است، تلاش می‌کند تا نقطه‌نظرهای خود را برای ایجاد تغییرات در ترکیب مجلس آینده به نفع حقوق زن به بحث بگذارد. اهمیت این تلاش چنان است که ایجاب می‌کند خطوط کلی هر دو دیدگاه مطرح در جامعه را ترسیم

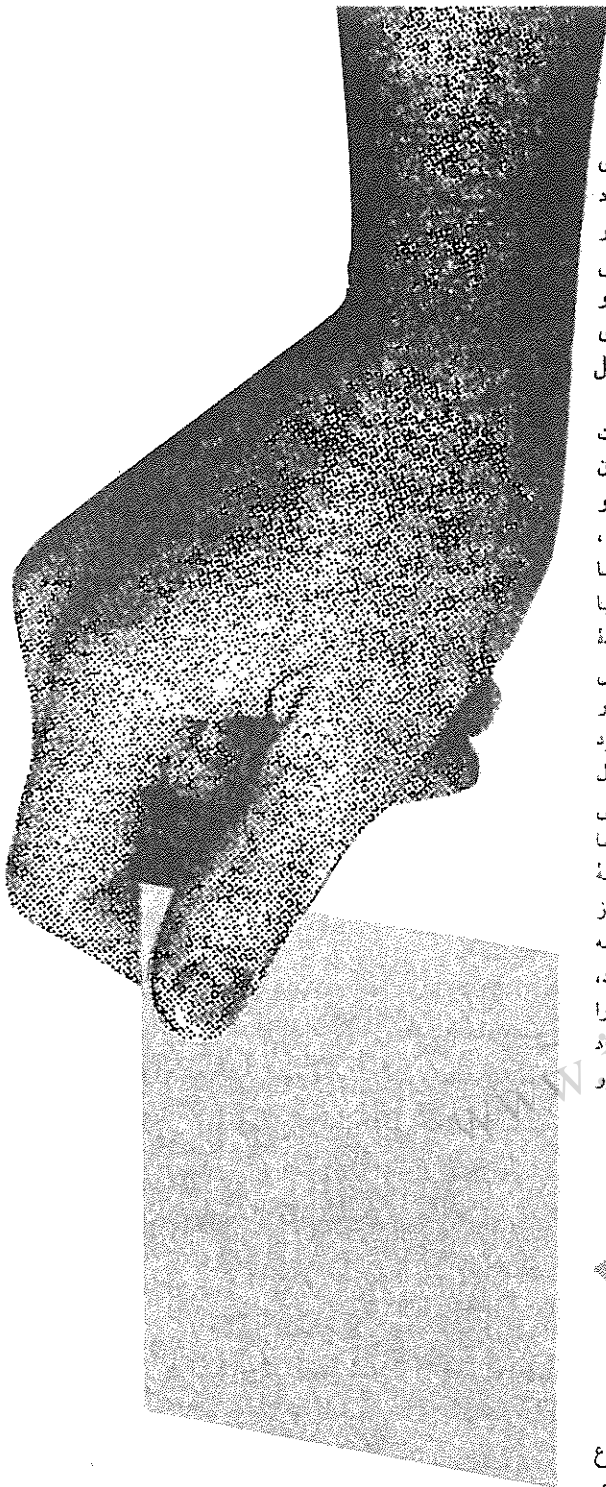
در آستانه انتخابات دوره پنجم قانونگذاری کشور، حقوق زن در ارتباط با ترکیب آینده مجلس مورد بحث قرار گرفته و از دیدگاه‌های گوناگون مطرح شده است. فضای بحث پرتنش است زیرا پس از چهار دوره قانونگذاری که از انقلاب تا کنون پشت سر نهاده‌ایم، ساختار حقوقی مردمحور همچنان بر کل قوانین ناظر بر روابط خانوادگی و اجتماعی سایه افکنده است. ارزیابی کارنامه هر یک از دوره‌های چهارگانه قانونگذاری به خوبی نمایانگر آن است که زنان ایران از نشست‌ها و مذاکرات مجلس چندان طرفی نبسته‌اند. هنوز ابتدایی‌ترین حقوق انسانی آنها، از قبیل آزادی انتخاب همسر، خروج از کشور، انتخاب اقامتگاه، انتخاب شغل و... با موانع دیدگاهی و بینشی جدی روبروست و در مجموع کارنامه دوره‌های چهارگانه قانونگذاری حامل این پیام نگران‌کننده است که مجالس مردانه مقتضیات اجتماعی را در امر حساس حقوق زن در نمی‌یابند و به نیازهای زنان امروز ایران جواب نمی‌دهند. معدود زنان نماینده نیز قادر نیستند در نهادهایی تا بدین حد

● پیش‌بینی فضای محتمل سیاسی در دوره پنجم قانونگذاری به زنان متفکر با هر گرایش سیاسی هشدار می‌دهد تا تلاشی گسترده و پیگیر برای ایجاد تسهیلاتی با هدف شکل‌یابی جامعه مدنی آغاز کنند.

معاون کار



# انتخابات و سرنوشت حقوق زن



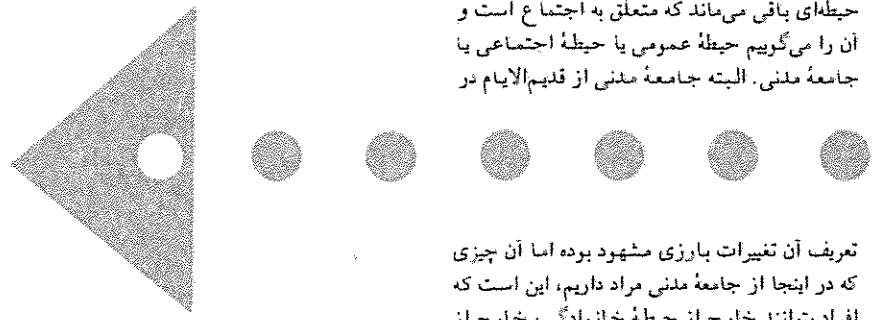
قدرتمند اجازه می‌دهد که افراد خلاقیت‌های فردی‌شان را بروز بدهند. از سرکوب افراد جلوگیری می‌شود. از تحقیر افراد در خانه، در مدرسه، در محیط کار جلوگیری می‌شود و طبیعی است که وقتی جامعه دارای چنین افراد و اعضا و شهروندانی باشد، رسانه‌ها می‌توانند و چاره‌ای ندارند به رسانه‌های مستقل و سالم تبدیل بشوند...»

احتمال می‌رود کسانی ادعا کنند که امکانات موجود برای ایجاد تشکل، به‌صورتی که شاهد آن هستیم، به‌تنهایی نشانگر وجود جامعه مدنی است و می‌تواند ظرفیت‌های لازم برای شکل‌یابی جنبش‌ها، از جمله جنبش زنان را در اختیار بگذارد. اما واقعیت این است که چنین نیست و جامعه مدنی با تعاریفی که از آن می‌شناسیم، در حال حاضر در رده مقدرات اجتماعی ما نیست زیرا ایجاد هر تشکل که بخواهد علی‌الغالب کند، مستلزم آن است که در وزارت کشور به ثبت رسیده و رسماً موجودیت خود را اعلام کند. در این صورت می‌تواند آشکارا فعال شود. می‌دانیم که حتی ثبت تشکل‌های غیرسیاسی سوکول به آن است که افراد مؤسس از هر حیث با ضوابط تعیین شده هماهنگ بوده و در پیشینه اجتماعی، خانوادگی و سیاسی آنها اثری از ناسازگاری ثبت نشده باشد. نظر به این‌که ناسازگاری حسب سلیقه مجریان تعریف می‌شود، لذا تأکید بر این‌گونه ضوابط، شالوده جامعه مدنی را پیش از تأسیس و بالندگی متزلزل می‌سازد و ایجاد آن را تعلق به محال می‌کند. در همسایگی ما کشور

و همراهی در بستر هدف‌های مشترک میسر می‌شود و لایه‌ها را، بدون آن‌که نیاز به سازماندهی باشد، با یکدیگر مرتبط می‌کند. این ویژگی‌ها به جنبش زنان در جامعه مدنی فرصت می‌دهد تا برابری را از رسانه‌ها و مراکز قدرت و جامعه مردسالار تکدی نکنند و با حضور سیال خود در تمام سطوح اجتماعی و فرهنگی، خودبه‌خود، راه به سیاست جسته و ضرورت تأمین حقوق زن را از زبان لایه‌های گوناگون اجتماعی مطرح کنند. تجربه‌های تاریخی جهان، به‌خصوص در سال‌های پایانی قرن بیستم، بیانگر آن است که حضور جنبش‌های مستقل در جامعه و پارلمان بیشتر از حضور احزاب سنتی دموکراسی را از تعرض نیروهای ضددموکراسی حفظ می‌کند و اگر پارلمان‌ها نمایندگان جنبش‌ها را بپذیرند، بهتر می‌توانند به نیازهای عمومی قانونگذاری و جامعه خدمت کنند.

چنانچه راه احقاقی حقوق زنان ایران را با اتکا به این دیدگاه جست‌وجو کنیم، یک پرسش اساسی بلافاصله سد راه می‌شود و آن این‌که: آیا در کشور ما جامعه مدنی شکل گرفته است تا بتوان نمایندگان جنبش زنان را از لایه‌لای بافت درهم تنیده آن بازشناخت؟

به نظر می‌رسد پیش از پاسخ‌گویی به این پرسش مقدر باید جامعه مدنی را تعریف کنیم: «جامعه مدنی حیطه‌ای است خارج از خانواده، خارج از دولت و خارج از کسب و کار. به بیانی دیگر اگر خانواده را ما حیطه خصوصی بدانیم، دولت را حیطه حاکمیت و اعمال قانون و بازار را حیطه اقتصاد، بین اینها حیطه‌ای باقی می‌ماند که متعلق به اجتماع است و آن را می‌گوییم حیطه عمومی یا حیطه اجتماعی یا جامعه مدنی. البته جامعه مدنی از قدیم‌الایام در



تعریف آن تغییرات بارزی مشهود بوده اما آن چیزی که در اینجا از جامعه مدنی مراد داریم، این است که افراد بتوانند خارج از حیطه خانوادگی، خارج از حیطه محله، خارج از حیطه قبیله و عشیره و روستای خودشان و خارج از حیطه‌های تعریف شده دولت، بر اساس علایق فردی خودشان با هم کنار بیایند... اگر می‌خواهیم مشارکت‌های اجتماعی را در جامعه ایران گسترش بدهیم، باید بپذیریم که فرد به‌وجود بیاید، فرد مستقل صاحب حقوق به‌وجود بیاید. فردی که عضو جامعه مدنی است، به‌وجود بیاید. افراد عضو کلرب بشوند، عضو انجمن بشوند، عضو احزاب بشوند، و در پرتو یک چارچوب قانونی بتوانند در عرصه‌های عمومی، در قالب انجمن‌ها، ارگان‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های محله‌ای، سازمان‌های شهروندی فعالیت کنند. وقتی که ما در این جهت حرکت کنیم، خواست عمومی، خواست اجتماعی عمومی، یک خواست بسیار قدرتمندی می‌شود و این خواست

جوان پاکستان توانسته است از حیث تعداد و تنوع انجمن‌ها و تشکل‌های کوچک و مستقل زنان گوی سبقت را از بسیاری کشورها بریاید، چرا؟ چون اعلام وجود یک انجمن و تشکل، حتی با تعداد انگشت‌شمار افراد مؤنث، فقط با ارسال یک نامه به اداره مربوطه میسر می‌شود. هیچ‌یک از مراجع دولتی و غیردولتی مجاز نیست که پیشینه اعضاکنندگان نامه را مورد تحقیق و تجسس قرار دهد. در نتیجه، در دورافتاده‌ترین روستاهای کشور پاکستان، زنان در تعداد بیشماری انجمن و تشکل برای احقاقی حقوقی خود کار می‌کنند و هزینه این هسته‌های کوچک و پراکنده را با حق عضویت، که گاهی یک روپیه و گاهی یک بیسمانه برنج با جویبات است، تأمین می‌کنند. آنها لزوماً به یک سازمان واحد زنان نمی‌پیوندند اما در جریان انتخابات «همه آنها، مثل

سرل‌هایی از یک اندام، هماهنگ و منسجم شرکت می‌کنند و به بهترین نمایندگان جنبش زنان، که در جامعه مدنی فرصت شناسایی آنها را به‌دست آورده‌اند، رأی می‌دهند.

طبعاً در شرایط کنونی که زنان ایرانی نمی‌توانند انجمن‌های مستقل و مورد علاقه خود را با همان سهولت که گفته شد، تأسیس کنند؛ جامعه مدنی، با تعریفی که از آن می‌شناسیم، وجود ندارد و در نتیجه جنبش زنان نمی‌تواند نمایندگان واقعی و پرشور خود را معرفی کند و آنها را به مراجع قانونگذاری روانه سازد. از آن گذشته، تحت تأثیر نحوه تأیید صلاحیت نامردهای انتخاباتی، افرادی از صنایع عبور می‌کنند که با بخش وسیعی از جمعیت کشور،





● یک دیدگاه می‌گوید زنان باید بتوانند نمایندگان خود را در مجموعه جنبش زنان، که در یک سازمان و تشکیلات خاص زنان خلاصه نمی‌شود، بشناسند و با آرای خود چهره‌های مطلوب را بر مسند قانونگذاری بنشانند.

● سازمان‌های غیرمستقل که هر یک با وجود داعیه استقلال کوشش می‌کنند تا در جانبداری از اصول حاکم گوی سبقت از دیگری برابند، چگونه می‌توانند به تعهد ادعایی خود در زمینه حقوق زن عمل کنند؟

● یک دیدگاه عقیده دارد مادام که احزاب آزادانه فعال نشده‌اند، حقوق زن همچنان در نگرش‌ها و دیدگاه‌های رسمی و مشخص محدود شده و گاهی به صورت مشروط و مقید در جلسات قانونگذاری طرح می‌شود.

● در همسایگی ما، کشور جوان پاکستان توانسته است از حیث تعداد و تنوع انجمن‌ها و تشکل‌های کوچک و مستقل زنان گوی سبقت را از بسیاری کشورها برآید، چرا؟

● حضور جنبش‌های مستقل در جامعه و پارلمان بیشتر از حضور احزاب سنتی دموکراسی را از تعرض نیروهای ضددموکراسی حفظ می‌کند.

به‌خصوص با زنان معترض که مصراانه حقوق برابر خود را مطالبه می‌کنند، در تضاد بوده و فاقد جاذبه‌های لازم برای ایجاد انگیزه و تحرک و شور در گروهی از زنان کشور هستند و نمی‌توانند آنها را به سوی صندوق‌های رأی جلب کنند.

بنابراین، امیدواری به دیدگاهی که راه احقاق حقوق زن را از بن‌بست‌های بینشی موقوف به آن می‌داند که افرادی از جنبش زنان رخصت ورود به مجلس را پیدا کنند، در حال حاضر و در غیاب جامعه مدنی ساده‌انگاری است زیرا، چنانچه گذشت، اولاً نحوه ثبت انجمن‌های مستقل زنان به گونه‌ای است که استقلال آنها مورد تردید قرار می‌گیرد و ثانیاً نحوه تأیید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی به شکلی است که نمایندگان پرشور جنبش زنان، که به طیف‌های گوناگون سیاسی تعلق دارند و همواره موقعیت حقوقی زنان را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند، مشکل می‌توانند از صافی‌های نظارتی عبور کنند.

### ◀ دیدگاه دوم

پروان این دیدگاه تأکید می‌ورزند که فقط در پرتو فعالیت آزاد احزاب و سازمان‌های سیاسی است که تریبون‌های قانونگذاری کشور در اختیار مدافعان حقوق زن قرار می‌گیرد و آنها به نام اعضای فعال احزاب راهی میدان‌های مبارزه می‌شوند. از این دیدگاه تأسیس سازمان‌های بزرگ و مستقل زنان با مشخصات مرسوم و سنتی و بر پایه سلسله مراتب هیئت مدیره، اساسنامه و کادر، سامان‌بخشی تأمین حقوق زنان خواهد شد.

طرفداران دیدگاه مورد بحث عقیده دارند مادام که احزاب آزادانه فعال نشده‌اند، حقوق زن همچنان در نگرش‌ها و دیدگاه‌های رسمی و مشخص محدود شده و گاهی به صورت مشروط و مقید در جلسات قانونگذاری قابل طرح می‌شود. در نتیجه، فعالیت برای تأمین حقوق زن، خارج از موازین رسمی و مشخص، اگر محال نباشد، پرستله و اندک است.

دیدگاه اخیر سازمان‌های مستقل زنان را که در جهان امروز سازنده و بالنده شده و در امر سیاستگذاری دخالت مؤثر دارند، محصول درازمدت حزب‌گرایی تلقی می‌کند. طرفداران این دیدگاه نتیجه می‌گیرند که سازمان‌های مستقل زنان هرگز در نظام‌های وحدت‌گرا و ایدئولوژیک، که همگان را از صافی‌های نظارتی می‌گذرانند، پا نمی‌گیرد. سازمان‌های به‌ظاهر مستقل هم در نظام ایدئولوژیک



نمی‌توانند نیروی فشار مؤثر و حربه بونده‌ای در زمینه مراقبت از حقوق زن بوده و در تصمیم‌گیری‌ها اعمال نفوذ کنند. سازمان‌های غیرمستقل که هر یک با وجود داعیه استقلال کوشش می‌کنند تا در جانبداری از اصول حاکم گوی سبقت را از دیگری برابند، چگونه می‌توانند به تعهد ادعایی خود در زمینه حقوق زن عمل کنند؟

بنابراین، در شرایط کنونی، به دیدگاه دوم که دیدگاه مبتنی بر کثرت‌گرایی سیاسی است و سازماندهی نیروهای پراکنده زنان را در قالب احزاب و سازمان‌های مستقل سیاسی تنها راه چاره می‌شمارد، نمی‌توان امید بست. زیرا در روزهای نزدیک به انتخابات مجلس پنجم و در جریان رقابت‌های انتخاباتی که آغاز شده‌است، فقط نیروهای رسمی نظام و تشکل‌ها و سازمان‌های غیرمستقل زنان را فعال می‌بینیم. پس چگونه می‌توان از تشکل‌های غیرمستقل زنان که فقط در چارچوب‌های مصوب رسمی فعالیت می‌کنند و از ذخایر مالی، ارتباطی و نیروی ایدئولوژیکی آن تغذیه می‌کنند، انتظار داشت تا به محض ورود به مجلس اعجاز کرده و رفع کاستی‌های حقوق زن را به ارمان بیاورند؟

دیدگاه دوم در انطباق با مشخصات عصر حاضر که کثرت‌گرایی فقط در نحوه حضور رقابت‌آمیز نیروها و جناح‌های رسمی و تشکل‌های زنان وابسته به آنها در صحنه انتخاباتی مجلس پنجم تحمل می‌شود، راه به جایی نمی‌برد و ناگزیر باید صبر پیشه کند.

### ◀ نتیجه‌گیری

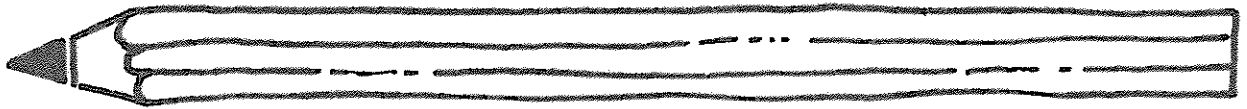
در حال حاضر شرایط اجتماعی برای تحقق آرمان‌های دو دیدگاه مترقی که در جامعه امروز ایران زنده و فعال است، مهیا نیست. در نتیجه، مشکل بتوان باور کرد که نمایندگان پرشور جنبش زنان در مجلس پنجم حضور یابند و بازنگری در قوانین کشور به قصد تغییر موقعیت حقوقی زنان همچنان با موانع بینشی و دیدگاهی مواجه نباشد. پیش‌بینی یک چنین فضای محتمل سیاسی در دوره پنجم قانونگذاری به زنان متفکر و دگراندیش از هر لایه و طیف و گرایش سیاسی هشدار می‌دهد تا به چاره‌جویی برخیزند و راه چاره را در تلاش گسترده

و پیگیر برای ایجاد تسهیلاتی با هدف شکل‌یابی جامعه مدنی جست‌وجو کنند. در جریان این تلاش باید مصراانه و با استفاده از تریبون‌های فرهنگی خواسته خود را مبنی بر ایجاد انجمن‌ها و تشکل‌های کوچک غیرسیاسی با تسهیلاتی شبیه آنچه زنان مسلمان پاکستانی از آن بهره‌مند هستند، پیایی مطرح سازند و از پای نشینند تا این خواسته به حق و منطقی و انسانی را به کرسی بنشانند.

یادداشت:

□ مجله جامعه سالم، شماره ۱۹، ضرورت پیدایش جامعه مدنی، دکتر پرویز بیران، ص ۲۶

# خبر



## رقابت زنان ایران برای کاندیداتوری مجلس

۳۰۵ زن از سراسر کشور داوطلب نمایندگی مجلس دوره پنجم شدند. به گزارش ستاد انتخابات کشور (تا آخرین لحظات انتشار مجله) جمع داوطلبان ثبت‌نام شده برای نمایندگی پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی ۵۳۵۹ نفرند که ۳۰۵ نفر از آنان زن هستند.

بنا به همین گزارش استان تهران، با ۱۰۶۱ نفر، بیشترین و استان کهگیلویه و بویراحمد، با دو نفر، کمترین داوطلب نمایندگی را دارند. همچنین ۴۵ نفر از اقلیت‌های دینی برای این دوره از مجلس کاندید شده‌اند.

## حمایت مسئولان انجمن‌های ورزشی بانوان سراسر کشور از بیانیه‌های «کارگزاران»

شورای همبستگی ورزش بانوان، معاونت ورزش بانوان و مسئولان انجمن‌ها و هیئت‌های ورزشی بانوان کشور با انتشار بیانیه‌ای از بیانیه «کارگزاران سازندگی» حمایت کردند.

چندی پیش ۱۶ نفر از وزرا و معاونان رئیس‌جمهور، با عنوان «خدمتگزاران و کارگزاران کشور»، با صدور بیانیه‌ای بدون امضا برای حضور فعال در انتخابات و تقویت حرکت‌های پیشین ریاست جمهوری اعلام آمادگی کردند.

بعد از انتشار اولین بیانیه، ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس به بخش‌هایی از متن بیانیه معترض شدند و آن را توهین به خدشات و فعالیت‌های مجلس دوره چهارم خواندند و خواستند که کارگزاران از مجلس علزخواهی کنند. کارگزاران در بیانیه دوم خود نیز

اعلام کردند: ما «خدمتگزاران صحنه سازندگی» در پیام خویش نه در جست‌وجوی عنوانی هستیم و نه به دنبال طرد صاحب حقی و نه در تلاش تسخیر صحنه‌ای که قضایی را بر کسی و یا گروهی تنگ نمایند.

شورای همبستگی ورزش بانوان، به ریاست فائزه هاشمی، و مسئولان انجمن‌های ورزشی بانوان سراسر کشور نیز در حمایت از این بیانیه‌ها آمادگی خود را برای حضور فعال در انتخابات اعلام کردند. در قسمت‌هایی از این بیانیه آمده است:

«اینک که در آستانه این رخداد مهم [انتخابات] قرار گرفته‌ایم... بیانیه کارگزاران نظام را کارشناسانه و دلسوزانه تلقی نموده و بر این اعتقاد هستیم علاوه بر این‌که این بیانیه فضای انتخابات را گرم‌تر می‌نماید، فرصت انتخاب صالح‌ترین نامزدها را برای مردم فراهم می‌کند.»

اسامی ۱۶ تن کارگزاری که مبادرت به انتشار دو بیانیه مذکور کردند، به این صورت اعلام شده است:

اسماعیل شوشتری، عطاءالله مهاجرانی، محسن نوربخش، محمد هاشمی، محمدعلی نجفی، مرتضی محمدخان، عیسی گلانتری، اکبر ترکان، سیدمحمد غرضی، بیژن زنگنه، غلامحسین کرباسچی، رضا امراللهی، غلامرضا فروزش، محمدرضا نعمت‌زاده، مصطفی هاشمی‌طبا، غلامرضا شافعی.

## پذیرش کارشناسان قضایی زن

وزارت دادگستری در آذرماه امسال یکصد کارشناس قضایی زن را از طریق آزمون استخدام کرد.

وزیر دادگستری در این زمینه گفت: «با تشکیل دادگاه‌های اطفال بانوان نقش عمده‌ای در این دادگاه‌ها خواهند داشت و این کارشناسان

به‌زودی در مشاغلی که قانون معین کرده، مشغول کار خواهند شد.»

حجت‌الاسلام شوشتری نیز درباره محل خدمت این کارشناسان گفت: «در اجرای قانون جدید دادگاه‌های عمومسی و انقلاب اسلامی، بانوان در دفتر ارشاد و معاضرت قضایی، خصوصاً در محاکم دعوی خانواده، فعالیت می‌کنند.»

## درگذشت سودابه بهارلو، نقاش معاصر

سودابه بهارلو، نقاش و مینیاتوریست توانای ایرانی در سن ۴۶ سالگی درگذشت.



بهارلو که در ۲۸ بهمن ۱۳۲۸ در تهران و در خانواده‌ای هنرمند متولد شده‌بود، نقاشی را از سن ۱۲ سالگی آغاز کرد. او بعد از چندین سال تعلیم نزد استاد علی مطیع در سال ۶۷ موفق به دریافت مدرک استادی در رشته مینیاتور و تذهیب شد و از همان سال در هنرستان کمال‌الملک و مرکز هنرهای تجسمی ایران تدریس مینیاتور را آغاز کرد. وی بعدها کار تدریس را در بعضی مراکز آموزش عالی و هنرستان و آلتیه شخصی خود ادامه داد. بهارلو در نمایشگاه‌های گروهی

و انفرادی متعددی در ایران و خارج کشور شرکت کرده‌بود. او پیرو مکتب هرات بود و نوآوری‌هایی در این مکتب داشت، از جمله وارد کردن طرح «بچه» در مینیاتور که برای نخستین بار آن را در تابلوی «زن چیست» به تصویر کشید.

سودابه بهارلو در روز شنبه ۲۶ دی‌ماه به‌رود حیات گفت.

## رابطه دفتر امور زنان با شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان تکذیب شد.

دفتر امور زنان هرگونه ارتباط تشکیلاتی این دفتر را با شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان تکذیب کرد.

روابط عمومی دفتر امور زنان در پایان بهمن‌ماه جاری در این زمینه اطلاعاتی منتشر کرد. پیش از صدور این اطلاعیه، شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان طی اطلاعاتی از تعدادی از سازمان‌های غیردولتی دعوت کرد تا به عضویت این شبکه درآیند.

طی تماسی با دبیرخانه دفتر شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان مطلع شدیم که اعضای این شبکه دست‌اندرکاران و مسئولان دفتر هماهنگی سازمان‌های غیردولتی زنان برای چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن هستند. در مدت تدارک کنفرانس پکن پاکت نامه‌های این دفتر به مهر نهاد ریاست جمهوری (دفتر اسور زنان) مسمهور بود و بعضاً نامه‌هایی با موضوعات مربوط به دفتر هماهنگی، با امضای مشاور رئیس‌جمهور و مسئول کمیته ملی کنفرانس جهانی زن، به دفتر نشریات ارسال می‌شد. اما دفتر امور زنان در اطلاعیه مورخ ۷۴/۱۱/۳۰ کلیه ارتباطات خود را با مسئولان دفتر هماهنگی رد کرده‌است. در این



اطلاعه فعالیت اکثر قریب به اتفاق سازمان‌های غیردولتی غیرمجاز خوانده شده‌است. متن این اطلاعیه به شرح زیر است:

«نظر به طرح سؤالاتی که در پی ارسال بیانیه‌ای تحت عنوان شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی (درج شده در جریده محترم همشهری ۷۴/۱/۲۶) از سوی برخی از جراید صبح و عصر کشورمان، به‌منظور شناخت شبکه مذکور از این دفتر به عمل آمده است، بدین وسیله به استحضار می‌رساند این شبکه هیچ‌گونه ارتباط تشکیلاتی با دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری ندارد. لذا با توجه به عدم مجوز رسمی از سوی وزارت محترم کشور برای فعالیت اکثر قریب به اتفاق این سازمان‌های غیردولتی، مراتب جهت هرگونه اقدام مقتضی اعلام می‌گردد. بدیهی است بیانیه‌های ارسالی با عنوان دفتر هماهنگی سازمان‌های غیردولتی که از توابع تشکیلاتی این دفتر می‌باشد و با استفاده از سربرگ نهاد ریاست جمهوری و امضا معرفی شده، در ارسال کلیه اخبار و اطلاعات مورد تأیید می‌باشد.»

### انتشار جزوه «مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های زنان»

دفتر ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی فهرست مجموعه‌ای از مقاله‌های مربوط به زنان را، در زمینه‌های ترویج و توسعه، به‌صورت یک جزوه منتشر کرده‌است.

در آغاز این جزوه آمده‌است: «یکی از مشکلات اساسی در تهیه مقاله‌نامه‌ها و کتاب‌شناسی‌ها، پراکندگی اطلاعات تولید شده در سطح کشور است. چرا که به علت نبودن یک پایگاه اطلاعاتی، اساساً هم استفاده‌کننده سرگردان و به دنبال اطلاعات است و هم زبان تهیه کتاب‌شناسی و مقاله‌نامه افزایش می‌یابد. مضافاً این‌که مسئولین سازمان‌ها و ادارات بخل خاصی نسبت به ارائه اطلاعات از پایگاه‌های اطلاعاتی خود ندارند.»

از این رو، هدف از انتشار این جزوه انعکاس و ارائه نتایج پژوهش‌ها و مطالعات و عرضه اطلاعات روزآمد به دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان در جهت تجربه‌اندوزی و به‌کارگیری تجربیات سودمند در راستای رفع نیازهای جامعه روستایی است. مقاله‌های برگزیده در حوزه‌های کشاورزی، توسعه، عمران، بهداشت، منابع طبیعی، محیط‌زیست و مطبوعات روستایی است. جزوه شامل دو بخش است:

۱) مقاله‌هایی که در مورد مسائل و فعالیت‌های زنان در مجلات و روزنامه‌های مختلف به چاپ رسیده است. در این بخش عنوان هر مقاله با ذکر منبع و تاریخ انتشار آن آمده است.

۲) گزیده پایان‌نامه‌های زنان در زمینه مسائل کلی مربوط به ترویج و توسعه که در دانشگاه‌های مختلف ارائه شده‌است.

### فهرست‌نویسی کتاب‌ها در کتابخانه ملی

از این پس ناشران می‌توانند کتاب‌های در حال چاپ خود را برای فهرست‌نویسی به کتابخانه ملی ایران ارائه دهند.

کتابخانه ملی با ارائه گزارشی اعلام کرد که یکی از مشکلات مهم کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی کشور تأخیری است که در امر فهرست‌نویسی منابع آن به‌وجود می‌آید و این مشکل باعث می‌شود استفاده‌کنندگان تا ماه‌ها از جدیدترین منابع محروم باشند. فهرست‌نویسی اگر از سوی مرجعی ذی صلاح صورت گیرد، نه تنها دستیابی سریع را به منابع میسر می‌کند بلکه سبب یک دسترسی فهرست‌ها و استانداردسازی تمام مجموعه‌های اطلاع‌رسانی نیز می‌شود.

به همین منظور کتابخانه ملی اعلام آمادگی کرده‌است که بعد از دریافت یک کپی از نسخه نهایی کتاب در «مرحله لیتوگرافی، ظرف پنج روز، شماره‌های مخصوص فهرست‌نویسی به هر کتاب اختصاص دهد. این کار به صورت رایگان انجام خواهد شد و نویسندگان و ناشران - در صورت توفیق گذر از هفت‌خان

صعب‌العبور انتشار کتاب - می‌توانند با ارائه کتاب‌های خود به مدیریت خدمات فنی کتابخانه ملی ایران از امکانات فهرست‌نویسی این مرکز بهره‌مند شوند.

### معرفی زنان نمونه متخصص اطفال

سه زن نمونه متخصص اطفال در نخستین جشنواره شایستگان پزشکی کودکان جایزه و لوح تقدیر دریافت کردند.

این جشنواره به همت مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران و با همکاری بنیاد خیریه مرحومه دکتر مریم شیخ باقرمهاجر برگزار شد. برگزیدگان این جشنواره عبارتند از:

۱- دکتر خدیجه محلوچی، رئیس بخش عفونی بیمارستان حضرت علی‌اصغر و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران.

۲- دکتر کبری بلوکی‌مقدم، استادیار دانشگاه علوم پزشکی گیلان.

۳- دکتر زهره کرمی‌زاده، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

### خبرنگاری، حرفه‌ای سخت و زبان‌آور

سازمان تأمین اجتماعی حرفه خبرنگاری را حرفه‌ای سخت و زبان‌آور اعلام کرد.

کریاسیان، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، روز ۲۶ دی‌ماه، در جمع گروهی از خبرنگاران گفت: «در لایحه‌ای که هم‌اکنون برای بازنشستگی بدون شرط سنی در کمیسیون رفاه اجتماعی دولت در دست بررسی می‌باشد، موضوع حرفه خبرنگاری را به عنوان یک تبصره گنجانده‌ایم که امیدواریم با تصویب آن خبرنگاران از مزایای این قانون برخوردار شوند.»

### رشد سوادآموزی زنان سه برابر مردان است

سوادآموزی زنان در طول چهار سال گذشته چهارونیم درصد افزایش داشته‌است.

ابراهیم آقابابایی، مدیر نهضت سوادآموزی استان تهران، در این

مورد گفت: «طبق آمار سوادآموزی مردان در سال ۷۴ نسبت به سال ۷۰ تنها ۱/۶ درصد افزایش داشته‌است.» به عبارت دیگر، میزان بی‌سوادی زنان کشور، طی چهارسال گذشته، از ۱۲/۷ درصد به ۸/۲ و میزان بی‌سوادی مردان از ۵/۸ درصد به ۴/۲ تقلیل یافته‌است.

به گفته آقابابایی، با تقویت اعتماد به نفس و توسعه کتاب‌خوانی بین سوادآموزان و افزایش گنجینه لغات آنان، امکان ادامه تحصیل در مقاطع تکمیلی و اتصال آنها به آموزش‌های رسمی کشور فراهم آمده است.

### تحلیل از زنده‌یاد رقیه چهره‌آزاد

در مراسم یادبود هنرمندان فقید، رقیه چهره‌آزاد لقب «مادر سینمای ایران» را گرفت.

بازیگران و سینماگران ایران در مراسمی که هفتم دی‌ماه در سینما آفریقا برگزار شد، ضمن گرامی‌داشت خاطره رقیه چهره‌آزاد، از دیگر



بازیگران از دست‌رنده، از جمله ایران دفتری نیز یاد کردند.

داود رشیدی، رئیس انجمن بازیگران سینمای ایران، با گله از عدم حضور تمام همکاران سینمایی در مراسم یادبود ایران دفتری گفت: «ما همه از یک خانواده‌ایم و در غم و شادی یکدیگر شریکیم.»

علی حاتمی نیز در مقام تجلیل از زنده‌یاد چهره‌آزاد، که نقش اصلی فیلم مادر را داشت، گفت: «ای کاش شیی که برای دریافت جایزه از پله‌ها بالا می‌رفت، حاضرین مثل امشب، به



احترام، جلوی پای او می‌ایستادند.»  
در این مراسم فریماه فرجامی، اکرم محمدی و امین تارخ - دیگر بازیگران فیلم مادر - و فرزندان رقیه چهره‌آزاد نیز شرکت داشتند.

## رأی دادگاه علیه مجله گردون

امتیاز مجله گردون لغو و صاحب امتیاز آن محکوم شد.

هیئت منصفه انتصابی مطبوعات در پی شکایت فیروز اصلانی، نماینده ستاد ناحیه مقاومت بسیج دانشجویی ثارالله، مهدی نصیری، مدیرمسئول هفته‌نامه صبیح و بهرامی‌راد رأی محکومیت عباس معروفی، صاحب امتیاز مجله گردون را صادر کرد. شاکیان، وی را به ترویج الحاد و ابتذال، تحقیر رزمندگان، اهانت به مقدسات دینی، درج مطالب خلاف عفت عمومی، حرکت هم‌سو با تهاجم فرهنگی استکبار جهانی و اشاعه فحشا و منکرات متهم کردند.

حمید مصلوق، وکیل مدافع عباس معروفی، در دفاع از موکل خود این اتهامات را غیرموجه دانست و گفت: «شاکیان خصوصاً که به وی اهانت شده یا منافش به خطر افتاده، می‌تواند به مطالب نشریه پاسخ دهد و در صورت خودداری نشریه از درج پاسخ وی شکایت کند، که تا به حال هیچ‌گونه شکایتی از جانب مرجع عمومی و شاکیان یعنی وزارت ارشاد با هیئت نظارت بر مطبوعات به دادگاه ارائه نشده است.»

مطالب مندرج در گردون که شاکیان برای اثبات اتهامات مذکور از آنها یاد کردند، عبارتند از: «سوج»؛ «پسرم با واقعیات آشنا می‌شود»؛ «گزارش خنده‌های کمیاب و پرسه‌ای در بازار سیاه شادی»؛ «کمان بی‌ریگ»؛ «تعهد هنر، مرگ هنر است»؛ «عفت قلم و آداب سانسور»؛ و اشعار «زیر چسادی از ابر» و «جمهوری زمستان».

هیئت منصفه در تأیید اتهامات شاکیان، عباس معروفی را به شش ماه حبس تعزیری، ۲۰ ضربه شلاق، لغو پروانه نشریه گردون و دو سال ممنوعیت از فعالیت‌های مطبوعاتی محکوم کرد.  
پس از اعلام حکم دادگاه،

اسماعیل جمشیدی، دبیر هیئت تحریریه مجله گردون، در نامه‌ای خطاب به دادگاه، ضمن غیرواقعی خواندن اتهامات عباس معروفی، نوشت: «چون در انتشار مطالب گردون من نیز مسئول بوده‌ام، حکم شلاق و زندان معروفی شامل حال من نیز بشود.»

هوشنگ گلشیری نیز در نامه‌ای به عباس معروفی، ضمن اظهار تمایل به قبول همه یا بخشی از محکومیت وی، از او خواست تا در صورتی که مایل است با مطبوعات همکاری کند، در مدت ممنوعیت از نام وی استفاده کند.

محمد سعید، رئیس شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران و مسئول رسیدگی به این پرونده، در مورد این تقاضا گفت: «این درخواست کاملاً غیرقانونی است زیرا بر اساس قانون جرم و مجازات شخصی است»، به این معنی که وقتی مجازات یک مجرم توسط دادگاه صادر می‌شود؛ هیچ‌کس غیر از مجرم، حتی نزدیکترین افراد وی هم، نمی‌توانند به جای مجرم مجازات را تحمل کنند.» وی در پاسخ به اظهارات اشعری، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد، مبنی بر نامناسب بودن مجازات شلاق برای یک عنصر مطبوعاتی، گفت: «مجله گردون آثاری از صادق چوبک را که سراسر رهن به ساخت پروردگار است، تبلیغ کرده بود و این کار اعتراضات گسترده‌ای را در محافل فرهنگی برانگیخت و شکایاتی در این مورد تسلیم دادگاه شد. مجازات شلاق با استناد به ماده ۸۶ قانون تعزیرات تعیین شده است. ماده ۸۶ در مورد هتک حرمت اشخاص اشعار می‌دارد: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک موجب مجازات تا ۳۰ ضربه شلاق خواهد بود.» وی در مورد تعیین مجازات حبس به ماده ۱۴۱ قانون مجازات اشاره کرد.

محمد سعید در مورد امکان تخفیف جرایم و حق اعتراض و تجدیدنظر احکام صادر شده گفت: «مجرم حق درخواست تجدیدنظر در رأی دادگاه را دارد اما اساساً به‌طور کلی هیئت منصفه در دادگاه مطبوعات به دو مورد، «آیا متهم

گناهکار است» و اگر متهم مجرم شناخته شد، «آیا مستحق تخفیف در مجازات است»، پاسخ می‌دهد. اعضای هیئت منصفه در این پرونده به این نتیجه رسیدند که مدیرمسئول نشریه گردون گناهکار است و مستحق برخورداری از تخفیف در مجازات نیست. بنابراین، دادگاه هم هیچ‌گونه تخفیفی در مجازات وی قائل نشد.»

نوبی، مسئول دبیرخانه هیئت منصفه مطبوعات، در یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگار کیهان، در تاریخ هفتم بهمن‌ماه گفت: «این رأی قابل رسیدگی و اعتراض در دادگاه‌های تجدیدنظر است.»

وی افزود: «در مورد اتهام اشاعه فحشا و منکرات با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده به لحاظ فقدان ادله اثباتی رأی بر برأت صادر شده است.»  
متن آخرین دفاع مدیرمسئول مجله گردون به شرح زیر است:

به نام خدا  
اعضای محترم هیئت منصفه، ریاست محترم دادگاه، هیچ‌کدام از مسائلی که شاکیان طرح کرده‌اند، یعنی اتهامات من، شاکیان خصوصاً ندارد. گرچه بسیاری از مطالب و نوشته‌های ما به مذاق برخی سازگار نیست اما خارج از چارچوب قانون هم نیست. هیچ‌کدام از نوشته‌های مجله گردون اهانت نبوده است. اما این دادگاه برای چه تشکیل شده است؟ مجرم کیست؟ ما فقط به خاطر اختلاف سلیقه خوب می‌خوریم، کسانی که با آزادی و قانون مخالفند، با ما مخالفند. دشمنان تضارب آرا این غائله را برپا کرده‌اند و تا این تاریخ که هیئت نظارت بر مطبوعات شکایتی از ما ارائه نداده است، سرم را بالا می‌گیرم و با فرور می‌گویم هیچ جرمی مرتکب نشده‌ام. بعد از دادگاه قبلی گردون هم جو مسمومی ساخته شد که برخی از افراد می‌خواستند با حکم دادگاه مخالفت کنند اما رئیس قوه قضاییه اعلام کردند: «هیچ مقامی حق ندارد بالای حکم مجله گردون اعتراض کند، حتی دادستان.» با این حال مدیرمسئول هفته‌نامه صبح در جلسه قبل مسائلی مطرح کرد که تماماً مربوط به مجله شماره یک تا ۲۰ گردون است و ما

قبلاً در دادگاهی با حضور هیئت منصفه به آن پاسخ گفته‌ایم و حکم برانت گرفته‌ایم. بنابراین، درباره امر محتومه نیازی به دفاع نیست. و مگر قرار است تا آخر عمرمان بابت یک پرونده محتومه محاکمه شویم تا شاکیان ما به رئیس قوه قضاییه توفیق یابند؟ نه، نگذارید چنین شود.

به اتکای قانسون از شما می‌خواهم به جای من، شاکیانم را محاکمه کنید که مهاجم به فرهنگ و فرهنگسازان بوده‌اند و مروجان کتابسوزان. کسانی که چهره ایران اسلامی را با حرکاتی از قبیل حمله به دفن‌سرا، مجلات، آنتش زدن کتابفروشی‌ها، غوغاسالاری، دروغ، تهمت، انگ اخلاقی و هزاران عمل زشت دیگر مخدوش می‌کنند. اینها می‌خواهند مدافع ایران و اسلام باشند؟ آیا تمدن اسلامی ایران همین است؟ این است ابن‌سینا؟ این است ملاصدرا؟ این است غزالی؟

آیا شاکیان، یعنی مخالفان آزادی و قانون، نماینده رهبرند که به بهانه دفاع از ایشان مدعی‌العموم شده‌اند؟ چرا در جامعه الفا می‌کنند مسئولان ایران مخالف تضارب آرا هستند؟ چرا این اختلاف سلیقه و دعوی خانگی را با بزرگنمایی‌های خود دعوی جهانی جلوه می‌دهند؟ آیا نتیجه‌ای جز شکستن ایران در جهان خواهد داشت؟ و آیا این نظام مقتدر نمی‌تواند جلوی قانون‌شکنان بایستد؟ مگر رئیس قوه قضاییه نمی‌گویند در مطبوعات سانسور نداریم؟ پس چرا این آدم‌ها می‌گویند داریم و باید داشته باشیم؟ این افراد اصرار دارند که به جهانیان بگویند هنوز بالغ نشده‌ایم، به قانون خودمان احترام نمی‌گذاریم و اندیشه‌های گوناگون را بر نمی‌تابیم. نه، نگذارید چنین شود.

نویسندگان عصرتان را به چند غوغاسالار نفروشدید. تاریخ نشان داده است که مخالفان آزادی و قانون به خود هم وفا نمی‌کنند، چرا که بزرگ‌ترین هدیه خدا را زیر پا می‌گذارند.

من در هیچ حزب و سازمانی وارد نشده‌ام، حرف هیچ خط مشی سیاسی را نخوانده‌ام، فقط در عرصه ادبیات خلافت معاصر کار کرده‌ام. اما چرا در برخی از روزنامه‌های همین



چند روز اخیر به عنوان چریک فدایی یا توده‌ای خطاب شده‌ام؟ چرا به عنوان اشاعه‌دهنده فحشا و فساد در نشریات شاکیانم معرفی شده‌ام؟ آیا گروه‌های فشار آزادند امنیت جانی و حرفه‌ای مرا با تهمت و ناسزا و دروغ به خطر اندازند؟ آیا گروه‌های فشار می‌خواهند مرا به ورطه‌های سیاسی یا نظامی بیگنجانند؟ اگر می‌خواهند گردن را تعطیل کنند، باید از روی نعلی قانون بگذرند. بنابراین، به عنوان یکی از میزبانان تاریخ رأی دادگاه هر چه باشد، به آن احترام می‌گذارم.

در چند ماه گذشته، هیئت نظارت بر مطبوعات امتیاز چند نشریه را لغو کرد، چند نشریه را به دادگاه فرستاد و مابقی بر مدار ماند. از دید قانون، با اقدامات هیئت نظارت بر مطبوعات خلاف بوده است یا حضور من در این دادگاه؛ چرا که من بدون شاکسی خصوصی و بدون شکایت هیئت نظارت محاکمه می‌شوم و به همین دلیل هیچ جرمی مرتکب نشده‌ام. اگر امروز محکوم شدم، تکلیف بسیاری از مسائل فرهنگی در این مملکت روشن می‌شود اما اگر تبرئه شدم، از شاکیانم می‌خواهم به این آتش افروزی‌ها و ترور شخصیت پایان دهند. عرصه ادبیات را به اهلس و واگذارند، داستان، رمان، شعر و هنرهای دیگر از طریق کارشناسان خبره مورد بررسی قرار گیرد، نه هرکسی دیگر. همچنان‌که من در فقه دخالت نمی‌کنم، ریاضی نمی‌دانم و پزشکی نیستم.

اعضای محترم هیئت منصفه، ریاست محترم دادگاه، در کجای دنیا مدیر یک مجله حق دارد به اتهام واهی مدیر یک مجله دیگر را به خاطر اندیشه‌اش به محاکمه بکشاند؟ در کجای دنیا مرسوم است که در جلسه دادگاه مسائلی خارج از کیفرخواست مطرح شود و بدون تحقیق در شکایت، نویسنده‌ای را بازپرسی و محاکمه کنند؟ آیا این یک رویه جدید قضایی است؟

آیا امروز، روز تجلیل از من است که بیست سال از عمر ۲۸ ساله‌ام را به نوشتن و بوی مرگ سبری کرده‌ام؟ من به خاطر کار فرهنگی محاکمه می‌شوم نه برای

اختلاس؛ به خاطر تولید ادبیات خلاقه نه برای قتل؛ به خاطر عشق به آدم‌ها و ایران؛ به خاطر این‌که با هیچ جریان سیاسی جور نبوده‌ام؛ به خاطر این‌که مثل شاکیانم نمی‌اندیشم؛ به خاطر نوشتن محاکمه می‌شوم. با دردها و زخم‌های بسیار که دلخوشی‌ها و سرخوشی‌های صادقانه‌ام را این شاکیان به کین بخل و حسد آزرده‌اند.

به هر حال از شما می‌خواهم رویه دادگاه بر مدار قانون بچرخد. رأی هر چه باشد، می‌پذیرم گرچه می‌دانم جرمی مرتکب نشده‌ام. می‌دانم اگر تبرئه شوم، باز هم می‌نویسم. همچنان به قانون وفادار می‌مانم. انتشار می‌دهم. و در این زمانه گفت‌وگو، من هم اندیشه‌ام را کنار اندیشه دیگران می‌آویزم اما اگر چنین نشد، نمی‌دانم چه بر سرم می‌آید. آیا مثل «آیدین» سمفونی مودگان نجاری خواهم کرد؟ نه، نگذارید چنین شود.

### مقام وزارت دادگستری

**ژاپن در دست یک زن**  
انتصاب یک زن به مقام وزارت دادگستری ژاپنی‌ها را شگفت‌زده کرد.

دولت ژاپن رتسو کوناچانو، ۴۲ ساله را که قبلاً وزیر بهداشت و امور اجتماعی ژاپن بوده، به دلیل شایستگی و کاردانی به این پُست منصوب کرده‌است تا برای رفع مشکلات این وزارتخانه اقدام کند. به گفته تحلیلگران با این‌که امروزه حضور زنان در کابینه ژاپن امری عادی محسوب می‌شود ولی انتصاب یک زن به چنین پُست مهمی، که در دولت ژاپن سومین پُست مهم دولتی محسوب می‌شود، بی‌سابقه بوده‌است.

### تبعیض حرفه‌ای در ژاپن

بسیاری از شرکت‌های ژاپنی تمایل چندانی به استخدام زنان ندارند. آنها با در نظر گرفتن معیارهای گزینش خاص عملاً برای مردان اولویت قایل شده و استخدام زنان را محدود کرده‌اند.

به دنبال اعتراضات مداوم زنان نقضی کار، وزارت کار ژاپن دو هزار و ۱۱۵ شرکت را به دلیل اعمال تبعیض میان مردان و زنان



جویای کار مورد بازخواست قرار داد.

طبق آمار وزارت کار ژاپن، در طول سه ماه گذشته، بیش از نه هزار زن ژاپنی در مورد برخورد تبعیض آمیز کارفرمایان در زمان استخدام و همچنین در طول اشتغال، به مقامات مسئول وزارت کار شکایت‌نامه‌هایی نوشته‌اند. تعداد این اعتراض‌ها نسبت به سال قبل ۱۵۰ درصد افزایش داشته‌است.

استدلال شرکت‌های مورد بازخواست برای اولویت دادن به مردها در گزینش کارمندان این بوده است که «زن‌ها یا پس از ازدواج شغل خود را ترک می‌کنند و یا بعد از بچه‌دار شدن تقاضای کار نیمه‌وقت خواهند کرد.»

در این شکایت‌ها نمونه‌هایی نیز به چشم می‌خورد که شرکت‌های ژاپنی، حتی در صورت استخدام زن‌ها، حقوق کمتری به آنها پرداخت کرده‌اند. زنان ژاپنی مصراً از وزارت کار ژاپن خواسته‌اند تا به تبعیض شغلی موجود خاتمه دهد.

### اعطای جایزه پزشکی

**نوبل به یک زن محقق آلمانی**  
یک زن زیست‌شناس آلمانی با کشف ژنی که باعث تکامل سریع جنین می‌شود، موفق به دریافت جایزه نوبل پزشکی سال ۱۹۹۵ شد.

پروفسور کریستین نوسلین ولهارد، ۵۲ ساله، که مدیر انستیتیوی ماکس پلانک و استاد

بیولوژی تکاملی است، با همکاری ادوارد لوییس، ۷۷ ساله، و اریک ویشاورز، ۴۸ ساله، مطالعاتی را بر روی حشرات، میوه‌ها و انسان انجام داد. این مطالعات نشان می‌دهد که چگونه حیوانات و انسان از یک سلول تخمک به وجود می‌آیند و ژن‌های خاصی باعث تکامل سریع جنین می‌شود.

اهمیت این کشف از آن روست که جهش‌هایی در ژن‌های اصلی و ساختاری بدن انسان صورت گیرد، احتمالاً سبب سقط جنین نارس و همچنین سقط جنین مکرر و ناخواسته در زنان می‌شود. به این ترتیب ممکن است تعدادی از کودکان نیز که با نارسایی‌های مختلف متولد می‌شوند، در دوران جنینی دستخوش چنین جهش‌های ژنی شده باشند.

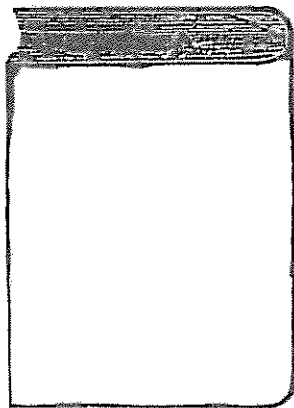
### خالده ضیا خواستار مذاکره با مخالفان شد

خالده ضیا، نخست‌وزیر بنگلادش، در اولین کنفرانس مطبوعاتی، پس از برگزاری انتخابات پارلمانی، برای مذاکره با مخالفان خود که در انتخابات شرکت نکرده‌اند، اعلام آمادگی کرد اما این پیشنهاد با مخالفت احزاب مختلف روبه‌رو شد.

در انتخابات اخیر بنگلادش، حزب ملی‌گرای این کشور به رهبری خالده ضیا، ۱۲۹ کرسی از ۱۳۰ کرسی پارلمان را از آن خود کرد. در واکنش به این رویداد، سه حزب عمده مخالف حزب حاکم بنگلادش، از جمله حزب «عوامی لیگ» به رهبری شیخ حسین و واجد که «زن آهنین» بنگلادش لقب گرفته، ششمین انتخابات پارلمانی بنگلادش را تحریم کردند و خواستار استعفاي خالده ضیا شدند.

شیخ حسین و واجد، دختر محبوب الرحمان، بزرگ‌ترین رقیب خالده ضیا، بسیار مایل است نخست‌وزیر را خلع کند. وی مصمم است تا پس از کسب قدرت، قاتلان پدرش را به محاکمه بکشد.

در درگیری‌های اخیر، تعدادی پلیس و مردم عادی کشته و زخمی شده‌اند.



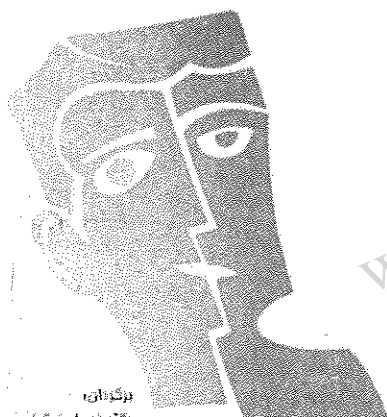
# انتشارات روشنگران

آدرس: تهران - خیابان دکتر فاطمی - روبروی هتل لاله - شماره ۲۲۷ طبقه همکف  
انتشارات روشنگران صندوق پستی ۵۸۱۷ - ۱۵۸۷۵ تلفن: ۶۵۷۴۲۴

## افسردگی خلاق

چگونه می‌توان از افسردگی بهره گرفت؟

انتشارات روشنگران در کتابخانه

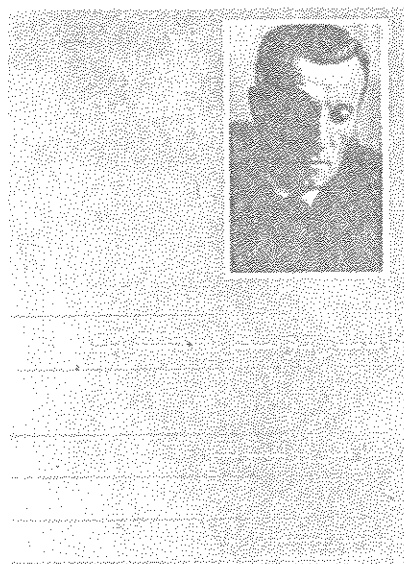
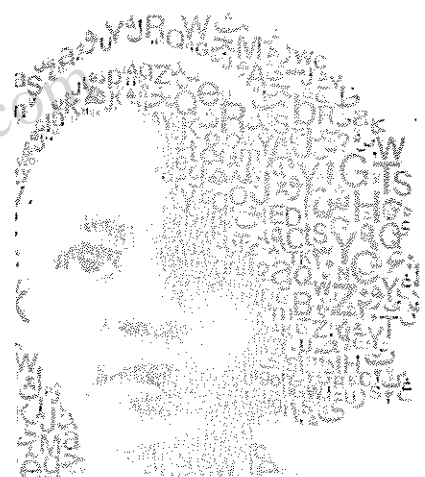
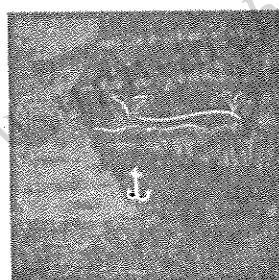


برگردان:  
دکتر فریبا بهزادگان

## یادبانیها

و سه نمایشنامه‌ی دیگر

حمید اسجد



شاکستی کواین  
شخص کوان  
ترجمه: سینی خوسدل



# آیا به کسی

موضوع و انگیزه ساخت سلام سینما زن و مسائل زنان نیست؛ هر چند مسائل زنان محور یا بخش عمده‌ای از بسیاری آثار محسن مخملباف بوده است. با این حال، نه تنها برای ما که در این فیلم در پی نقش و چگونگی حضور زن و رویکرد و تفسیر فیلمساز می‌گردیم بلکه برای هر تماشاگر عادی، که در جست‌وجوی چنین نشانه‌هایی هم نیست، حضور زنان در سلام سینما چشمگیر و اساسی و بحث‌انگیز است و این، تازه، بجز دیگر بحث‌های اساسی این فیلم درباره قدرت، قدرت‌طلبی، سلطه‌پذیری و نقش شرایط در موفقیت آدم‌ها - در ورای ظاهر موضوع فیلم یعنی عشق به سینما و بازیگری - است.

سلام سینما، بحث‌انگیزترین و جنجالی‌ترین فیلم سیزدهمین جشنواره فیلم فجر، در چهار سینمای تهران به نمایش درآمد و به‌رغم خالی بودن از جنبه‌های تماشاگرپسند آشنا و مرسوم با استقبال فوق‌العاده‌ای روبه‌رو شد که حکایت از اشتیاق گروهمایی از مردم به قالب‌های جدید و طرح موضوع‌های تازه در سینما دارد. این فیلم، برای ما، بستر و انگیزه مناسبی جهت بحث درباره پاره‌ای از جنبه‌های آن بود و تصمیم گرفتیم این موضوع‌ها را با چندتن از کسانی که در فیلم حضور بیشتر و برجسته‌تری داشتند، به بحث بگذاریم. از آن میان، چهار نفر را برگزیدیم: مریم کیهان و آزاده زنگنه - که تقریباً نیمی دوم سلام سینما را به خود اختصاص داده‌اند - و شقایق جودت - که بخشی از حرف‌هایش از حاشیه صوتی فیلم پاک شده بود. شاید چهارمی چندانی برای تماشاگران فیلم آشنا نباشد زیرا در چند لحظه گذرا روی پرده دیده شد اما او یکی از شخصیت‌های اصلی نسخه سه ساعته فیلم و پشت صحنه سلام سینما است. فاطمه افشین، در روز آزمونش، خود را یک دختر لال معرفی کرد و سر صحنه لحظه‌های پرشوری آفرید. با دو تن از همکاران پای صحبت دختران سلام سینما نشستیم. **●** الهام خاکسار

● مخملباف را هرمنودی می‌شناسیم که در بیشتر آثارش به زنان توجه غمخوارانه‌ای داشته، از جمله در همین فیلم سلام سینما که فیلم مطرح و بحث‌انگیزی است؛ چه در میان تماشاگران و چه در میان منتقدان. به هر حال، هیچ‌کس با این فیلم خنثی برخورد نکرد. عده‌ای از منتقدان آن را با مشق شب کیارستمس مقایسه کردند؛ اینان مدعی هستند که مصاحبه‌شونده‌ها تحقیر شده‌اند و عده‌ای



● فاطمه افشین: مخملباف خودش جواب سؤال‌هایی را که در فیلم مطرح کرد، می‌داند. او فقط می‌خواست این حقایق را روی پرده بزرگ نشان دهد.

# توهین شد؟

الهام خاکسار

عکس‌های مصاحبه: لاله شرکت



حتی پیش‌تر می‌روند و می‌گویند به نسل جوان و کل جامعه توهین شده است. ما هم فکر کردیم شاید بهتر باشد با چند نفر از خود این گروه صحبت کنیم و احساس خود آنها را جوینا شویم. پس لطفاً، صادقانه و صریح، از حس درونی‌تان برایمان بگویید.

○ شقایق جودت: من اصلاً چنین احساسی ندارم چون در سینمای حرفه‌ای هم ممکن است کسی در خیلی از نقش‌های منفی و بیش‌پالانده بازی کند و نمی‌توان گفت که به او توهین شده است.

● پس شما هم عملاً داشتید نقش بازی می‌کردید و حرف‌هایتان واقعی نبود؟

○ جودت: نه، واقعیت بود. سه روز به باغ فردوس رفتم و چون فرم شرکت در آزمون را نداشتم، مرا نمی‌پذیرفتند. یکس - دوبار بیرونم کردند بالاخره رفتم و آن سوال و جواب‌ها...

● آن سوال و جواب‌ها و لحن مخملباف در شما احساس بدی ایجاد نکرد؟ مثلاً آنجا که به طنز گفت: «خانم‌ها رویشان را برگرداند بینیم ایشان چه می‌گویند.» یا تقلید آهنگ خداحافظی کردن شما؟ آنجا همه رفته بودند تست بشوند اما از طریق این آزمایش بیشتر خودشان را بروز می‌دادند تا استعدادشان را در بازیگری؛ به‌خصوص شما که به‌رغم اصرار زیاد مخملباف نقش بازی نکردید. بنابراین، هیچ احساس بدی ندارید نسبت به آن تصویری که از شما نشان داده شد؟

○ جودت: نه، راضی هستم.

● البته مثل این که شما تجربه بازیگری هم داشتید. یک کلوزآپ از شما در فیلم همسردیدیم.

○ جودت: من اصلاً رشته‌ام بازیگری است.

● پس چرا از همان راهی که به بازی در فیلم همسر متجر شد، نخواستید وارد سینما شوید؟

○ جودت: من اصلاً قصدم این نبود که در فیلم سلام سینما بازی کنم.

● پس برای چه رفتید آنجا؟

○ جودت: در فیلم مشخص نشد؟

● بخش اصلی صدای شما پاک شده بود. البته چیزهایی دستگیرمان شد ولی قضیه برای خیلی‌ها مبهم مانده است. حالا اگر ممکن است بفرمایید قضیه چه بود.

○ جودت: من ترجیح می‌دهم صحبت در این مورد ادامه پیدا نکند. موضوعی خصوصی بود و حتماً بهتر بوده بخش شود که نشد.

● ولی شما که موضوع را در آزمون‌ها می‌دیدید. همه کسانی که در محل آزمون بودند، نمی‌دانند ما چرا از چه قرار بوده در سالن‌های سینما هم تماشاگران دیدند و شنیدند که مخملباف از شما پرسید: «اشکالی ندارد این را نشان بدیم؟» و شما

دختران مجموعاً نظر منفی ندارد. فکر نکردید این صراحت ممکن است واکنش‌هایی در جامعه و خانواده‌تان داشته باشد؟

○ جودت: خانواده‌ام حساسیت خاصی ندارند ولی در جامعه ما این تلقی وجود دارد که همیشه این پسرها یا فرودها هستند که حق دارند کسی را دوست داشته باشند و این دوست داشتن را ابراز کنند در حالی که اعلام این موضوع از طرف یک دختر عکس‌العمل ایجاد می‌کند. البته من عکس‌العکس خیلی بدی ندیدم چون، شاید، این موضوع مشکل و حرف دل خیلی از دخترهای شبیه به من است؛ به

گفتید: «نه، حالا که همه فهمیدند، دیگر برایم فرقی نمی‌کند.»

○ جودت: بس نساهاگران هم دست آخر چیزهایی، گریه شکسته و بسته، دستگیرشان شد. من هم فکر می‌کنم که همین‌جوری که نشان داده شد، کافی است.

● البته حذف آن جمله‌ها نه خواست شما بود نه خواست «مخملباف» بلکه مجوز نسایش فیلم به این شرط صادر شد. به هر حال، انشا کردن این قضیه در «صورت جمعی تبعاتی برایتان نداشت» به‌خصوص که جامعه نسبت به اعلام برخی مسائل از سوی